

معرفی کتاب

اسلامی سازی معرفت

U محمد صابری

عبده و طنطاوی، جوهری و شماری دیگر، سعی کرده‌اند آموزه‌های اسلامی را به گونه‌ای تأویل و تفسیر کنند که با داده‌های علمی جدید همخوانی داشته باشد و به این شیوه، تضاد میان علم و دین را حل کنند. آنان به قصور نگره سنتی و تفاسیر سنتی از نصوص پی برده بودند و برای برون شد از این قصور و بن بست به تفسیری عصری و منطبق با علوم جدید از آموزه‌های اسلام دست زدند.

اما در سه چهار دهه اخیر و پس از آن که در غرب نیز جریان انتقادی نیرومندی در برابر روش‌های غالب علمی- و عمدتاً در برابر پوزیتویسم (اثبات گرایی) شکل گرفت و انباشتی از ادبیات انتقادی را بر جای گذاشت، جریانی متشکل از شماری از پژوهشگران و متفکران مسلمان و عمدتاً عرب در ایالات متحده آمریکا شکل گرفت که این بار نه درصدد آشتی دادن میان آموزه‌ها و مفاهیم اسلامی و آموزه‌ها و مفاهیم علمی جدید، بلکه در صدد تأسیس مبانی و بهتر است بگوییم کشف مبانی و اصول علم اسلامی برآمدند. آنان معتقدند روش‌شناسی اسلامی علوم تفاوت‌های ماهوی با روش‌شناسی علوم جدید غربی دارد و اساساً اسلام صاحب سبک و نگره ویژه‌ای در جهت بخشیدن به علوم است.

کتاب اسلامی سازی معرفت که به همت آقای مجید مرادی تدوین و ترجمه شده است، چنان که وی در مقدمه مفصل ۳۷ صفحه‌ای کتاب می‌گوید، در صدد انتقال عقاید و اندیشه‌های نظریه‌پردازان اسلامی سازی معرفت که به خواننده فارسی زبان است. این کتاب علاوه بر این مقدمه- با عنوان جغرافیای اسلامی سازی معرفت- از هفت مقاله و مصاحبه فراهم آمده است.



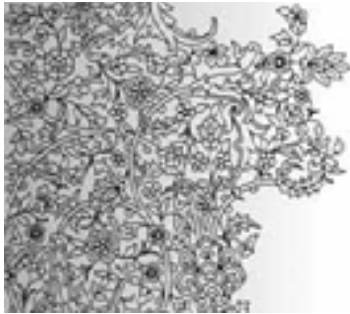
U اسلامی سازی معرفت

U تدوین و ترجمه: مجید مرادی

U ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

U سال نشر: تابستان ۱۳۸۵

مسئله ارتباط اسلام با علوم انسانی و اجتماعی از بیش از یکصد سال پیش در قالب بحث رابطه علم و دین و در چند دهه اخیر در قالب بحث‌های روش‌شناسی علوم جدید و نگره اسلام نسبت به آن از دغدغه‌های مهم متفکران و پژوهشگران مسلمان بوده است. پیش از یک قرن پیش متفکران مسلمانی چون محمد



ارزش‌ها از علم و واقعیت و نادیده گرفتن خصلت اجتماعی و تاریخی دانش و اندیشه است.» عناصر نظریه اثبات‌گرایی همان‌گونه که انتقاد مکتب فرانکفورت از سوی مدافعان نظریه اسلامی سازی معرفت نیز با نقد جدی مواجه شد. محمد امزبان در سال ۱۹۹۱ م. با چاپ کتاب روش پژوهش اجتماعی، از اثبات‌گرایی تا هنجارگرایی گامی جدی در تبیین نظریه اسلامی سازی معرفت برداشت. امزبان سه روش علمی را از یکدیگر متمایز می‌کند: روش استنباطی، روش تجربی و روش تاریخی. وی روش چهارمی را نیز بدان می‌افزاید که روش اسلامی است و آن را به وحی که یکی از منابع معرفت در علوم اجتماعی و دیگر حوزه‌هاست، مستند می‌داند.

امزبان از ضرورت گنجاندن وحی در ضمن منابع معرفتی علوم اجتماعی سخن می‌گوید، زیرا وحی می‌تواند خطاهای علوم اجتماعی و انگاره‌های این علم را از شکل‌گیری نهادها و نظام‌های اجتماعی و نیز انگاره‌های آن از انسان و حرکت تاریخی انسان، تصحیح کند.

نویسنده آنگاه به شماری از نقدها به نظریه اسلامی سازی معرفت، اشاره می‌کند.

چنانکه گفته شد، کتاب اسلامی سازی معرفت، گذشته از مقدمه مفصل آن، مشتمل بر پنج مقاله و سه گفت‌وگوست. مقاله نخست، «گامی فراسوی روش‌شناسی اصولی مطالعات اجتماعی»، در پی آن است که اهمیت وحی را به عنوان یکی از منابع معرفتی در حوزه پژوهش‌های علوم اجتماعی و انسانی و نقش اصول فرا مادی

مطالب این اثر به این شرح است:

مقاله «گامی فراسوی روش‌شناسی اصولی مطالعات اسلامی» از دکتر لؤی صافی؛ «ایده و طرح اسلامی‌سازی معرفت»، مصاحبه با طه جابر العلوانی، «درآمدی به روش‌شناسی معرفتی قرآن»، از محمدابوالقاسم حمد؛ «نشانه‌های عمده طرح اصلاح اندیشه» از طه جابر العلوانی؛ «روش‌شناسی اسلامی»، از دکتر جمال عطیه؛ «اسلامی‌سازی دانشگاه و کارآمدسازی آموزش عالی»، از عبدالحمید ابوسلیمان و «توضیحاتی ناگزیر»، از دکتر اسماعیل فاروقی.

در مقدمه کتاب، از قول محمدابوالقاسم حاج حمد آمده است: «اسلامی‌سازی معرفت به معنای گسستن ارتباط میان

دست‌آورد علمی تمدنی بشری و ارجاعات (منابع) فلسفی پوزیتیویستی- به اشکال مختلف آن- و کاربست دوباره

این علوم در یک دستگاه روشی و معرفتی دینی غیرپوزیتیویستی است... اسلامی‌سازی معرفت،

قصد اسلامی‌سازی علوم تطبیقی و قواعد علمی را دارد. مترجم کتاب در مقدمه‌اش پیوند مبانی اسلامی‌سازی معرفت

را با جریان ابطال‌گرایی و مکتب انتقادی نشان می‌دهد: «مهمترین

عناصر نظریه اثبات‌گرایی، اعتقاد به وحدت روش‌شناختی

علوم طبیعی و علوم انسانی و اجتماعی، رد هرگونه منبع خارجی

برای حقیقت، رد فلسفه استعلائی، تعمیم اصل جزمی تغییرناپذیری

قوانین فیزیکی به نظریه اجتماعی و آزادسازی نظریه اجتماعی از قید

خداشناسی و متافیزیک، تجربه‌گرایی با تکیه بر امور واقع قابل مشاهده، تفکیک



پروژه اسلامی سازی معرفت معتقد است که این علوم مبتنی بر قرائت تک بعدی است و همین امر، منبع بسیاری از مشکلات و بحران‌ها در این معارف شده است. از این رو باید روش‌ها و نظریات معرفتی این علوم را تابع روش‌شناسی «جمع بین دو قرائت» قرار داد.

اما درباره گروه سوم یا علوم محض، نظر اسلامی سازی معرفت آن است که فلسفه این علوم اثبات‌گرا و سست است. پیش‌فرض روش اثبات‌گرا آن است که جهان و حرکت آن، تنها همان جدال یا دیالکتیک میان انسان و طبیعت است که خدا جایی در آن ندارد و نادیده گرفتن بعد غیبی، این فلسفه و روش‌هایش را به ایستایی کشانده است. اسلامی سازی معرفت می‌کوشد این علوم را در چارچوب آن روش معرفتی‌ای به کار گیرد که بعد غیبی جهان یا ایمان به غیب را لحاظ می‌کند تا انسان دریابد آنچه در جهان جریان دارد برآیند تعامل بین خدا، غیب، طبیعت و انسان است.

اما اسلامی سازی معرفت، با همه رویکردهای پیش متفاوت است. اسلامی سازی معرفت، برخوردی ریشه‌ای است که اندیشه اسلامی را به عمق بن‌بست تمدنی جهانی منتقل می‌کند، زیرا این طرح بر آن است تا در مقابل دستگاه معرفتی‌ای که ترکیب اقتصادی- اجتماعی و فکری تمدن معاصر از آن برگرفته شده است، رویکرد فلسفی متفاوتی را مطرح کند. این ترکیب و ریخت در رویکردهای پوزیتیویستی تمدن معاصر- با صیغه مادی یا ایده‌آلی یا گزینشی- تجسم یافته و الگوهایی از نهادها و اندیشه‌ها و شیوه‌های رفتاری تولید کرده است که پیش از طرح ایده اسلامی سازی معرفت، اندیشه دینی می‌کوشید تا نهادها و اندیشه‌ها و شیوه‌های رفتار غربی را با نگاهی مثبت با مشابه اسلامی آنها نزدیک جلوه داده و یا با نگاهی منفی با آن مقایسه نماید و در نتیجه پاره‌ای از آنها را تحسین و پاره‌ای را تقبیح کند.

محمد ابوالقاسم حاج حمد در مقاله «درآمدی بر روش‌شناسی معرفتی قرآن» به این پرسش پاسخ می‌دهد که ضرورت فکری و تاریخی اسلامی سازی معرفت کدام است؟ وی پاسخ می‌دهد که اسلامی سازی معرفت، اضافه کردن عبارت‌های دینی به مباحث علمی نیست که از آیات قرآنی متناسب با موضوعات آن علمی که اسلامی سازی‌اش مراد است، کمک بگیریم و کسانی که اسلامی سازی را به این معنا گرفته‌اند، خود را آماج تمسخر دیگران قرار داده‌اند.

در مطلب بعدی با عنوان «نشانه‌های طرح اصلاح روش‌های

ریشه‌دار در وحی را در حوزه علوم اجتماعی و انسان نشان دهد. نویسنده آنگاه به بحث روش‌شناسی استنباط احکام و انگاره‌ها از نص وحی می‌پردازد و مراحل چهارگانه برای آن برمی‌شمارد: مرحله اول، آشنایی با تمام متون وحیانی مربوط به مسئله موردنظر؛ مرحله دوم، تلاش برای فهم دلالت‌های عبارات متون وحی به شکل انفرادی یا گروهی؛ مرحله سوم، تعلیل نصوص و یا مشخص کردن علتی که اقتضای حکم نهفته در آن را داشته است و مرحله چهارم، که هدف آن ربط دادن احکام و مفاهیم وحیانی با یکدیگر به گونه‌ای است که انسجام و هماهنگی آن دو تحقق یابد.

دکتر طه جابر العلوانی در مصاحبه‌ای با عنوان «ایده و طرح اسلامی سازی معرفت»، به مهمترین پرسش‌ها در این زمینه پاسخ داده است. علوانی به انواع واکنش‌هایی اشاره می‌کند که مسلمانان در برابر شوک تمدنی غرب از خود نشان دادند. وی به رهیافت‌های اولیه اصلاح‌گرایان مسلمان از بیش از یک قرن پیش اشاره می‌کند و بر آن است که آنان به ورطه اندیشه مقایسه و نزدیک‌سازی مفاهیم اسلامی با مفاهیم غربی کشیده شدند. در نتیجه، غالب مسائل مربوط به غیبی به گونه‌ای مطرح شد که اعتراض عقل علمی و تجربی را برنینگیزد.

علوانی بر آن است که تلاش‌هایی که در زمینه مقایسه و مشابه‌سازی و نزدیک‌سازی مفاهیم اسلامی و غربی انجام شده، چندان خلوصی نداشته است و این روش بیشتر تلفیقی و التقاطی و کمتر کارساز است؛ چون می‌کوشد دو نظام تمدنی را که ریشه‌ها و منابع و فرآیند و اهدافی متفاوت داشته‌اند با هم تلفیق کند. وی سه گونه از علوم معاصر را از هم تفکیک می‌کند: علوم نقلی یا علوم شرعی؛ علوم انسانی و اجتماعی؛ و علوم تکنیکی. علوم نقلی، علمی است که پیرامون قرآن و سنت نبوی (ص) سر برآوردند و شکل یافتند؛ چرا که قرآن منبع انشای احکام و بسیاری از معارف اسلامی است. این علوم بر دو دسته‌اند: الف) علوم غایی، علمی است که غیرمسلمانان امروزه آن را علم به شمار نمی‌آورند و غربی‌ها نیز این گونه علوم را از دایره معرفت علمی خارج کرده‌اند و موضوعات برخی از این علوم را در حوزه‌های دیگر پخش کرده‌اند، به گونه‌ای که با نگرش غربی به علم و معرفت هم‌ساز باشد؛ ب) علوم ابزاری، که به آنها علوم صحیح یا دقیق گفته می‌شود مانند ریاضیات و فیزیک.

از دید علوانی، اسلامی سازی معرفت از آن رو که مسئله‌ای روش‌شناختی و معرفت‌شناختی است در پی نوسازی در گونه نخست (علوم نقلی) است. اما درباره علوم انسانی و اجتماعی،

بخش پایانی کتاب، مقاله دکتر اسماعیل فاروقی با عنوان «توضیحاتی ناگزیر» است که در آن پاره‌ای توضیحات درباره مفهوم اسلام‌گرایی و اسلامی سازی و معرفت اسلامی آمده است. وی بر آن است که معرفت اسلامی یا اسلامی سازی معرفت به معنای روش‌شناسی اسلامی استوار و فراگیری است که به هدایت الهی ملتزم باشد و نقش عقل را تعطیل نکند و تجسم اهداف وحی و ارزش‌های آن باشد و مقصود از اسلامی سازی معرفت این است که قدرت عقل و فکر و روش انسان مسلمان با نیاز است و چالش‌هایی که امت اسلام با آن مواجه است، همساز و همگام شود. از نگاه وی اسلامی سازی معرفت در مسیر حیات امت، دو مرحله اساسی به شکل زیر را خواهد گذراند:

مرحله نخست: الف) تسلط بر علوم جدید

ب) احاطه بر میراث اسلامی.

مرحله دوم: الف) تشخیص مشکلات مهم

ب) ابداع و ابتکار اسلامی.

تدوین و ترجمه این کتاب، گامی ارزشمند در جهت آشنایی جامعه فکری ایرانی با پروژه اسلامی سازی معرفت است و این کتاب در نوع خود در زبان فارسی بی‌نظیر است. با مطالعه این کتاب می‌توان به این نتیجه رسید که اهداف و راهبردهای این پروژه، با آنچه که به طور سطحی و تقلیل‌گرایانه در ایران مطرح شده است، فاصله‌ای نجومی دارد.

اندیشه و اسلامی سازی معرفت»، طه جابر العلوانی، ویژگی‌های کلان پروژه اسلامی سازی معرفت را بیان می‌کند. وی در ابتدای مقاله‌اش می‌گوید: پس از شکست طرح غرب‌گرا در پدید آوردن نوزایی و ملاحظه لغزش طرح جنبش اسلامی (مبارزه) در رسیدن به اهداف، بار دیگر ضرورت شدید بازنگری و ژرف‌نگری و تلاش برای شناخت نقاط کاستی رخ می‌نماید.

علوانی اصول کلی طرح اسلامی سازی معرفت را به نقل از دکتر اسماعیل فاروقی در کتاب «اسلامیة المعرفة چنین برمی‌شمارد: توحید، وحدت آفرینش، وحدت حقیقت، وحدت حیات، وحدت انسانیت و فراگیری روش‌ها و ابزارها.

قواعد تولید معرفتی در چارچوب و نگره اسلامی سازی معرفت از نگاه علوانی عبارت است از:

۱- بازسازی نگرش معرفتی اسلامی مبتنی بر مؤلفه‌ها و ویژگی‌های جهان‌بینی اسلامی؛

۲- بررسی دوباره و شکل‌دهی و پایه‌ریزی قواعد روش‌شناختی اسلامی در پرتو و بر اساس روش‌شناسی معرفتی قرآنی؛

۳- پی‌ریزی روش تعامل با قرآن مجید از طریق این نگرش روش‌شناختی و به عنوان منبع نظام معرفتی و مؤلفه‌های شهود تمدنی و عمرانی؛

۴- پی‌ریزی روش تعامل با سنت مطهر نبوی(ص) از طریق نگرش روش‌شناختی یاد شده؛

۵- مطالعه دوباره و فهم دوباره میراث اسلامی و قرائت انتقادی، تحلیلی و معرفتی آن؛

۶- پی‌ریزی روش تعامل با میراث بشری معاصر. «روش‌شناسی اسلامی و رابطه میان روش‌های علوم اجتماعی و علوم دینی»، عنوان مصاحبه با دکتر جمال عطیه است. عطیه به پاره‌ای از پرسش‌های مهم در این باب پاسخ گفته است.

دکتر عبدالحمید ابوسلیمان در مقاله «اسلامی سازی دانشگاه و کارآمدسازی آموزش عالی از نظریه تا اجرا»، به تجربه دانشگاه اسلامی جهانی مالزی به عنوان نمونه‌ای موفق و کارآمد اشاره کرده است. وی ضمن توجه به اهمیت جایگاه آموزش عالی، تقلید و آشفتگی جهان‌بینی اسلامی و آمیختگی خرافات و تردستی‌ها با فرهنگ مسلمانان را از آفات آموزش عالی در جهان اسلام برمی‌شمرد و بر آن است که همین اسباب و آفات سبب شد تا آموزش عالی در میان امت اسلام، تا امروز نتواند با کامیابی در میدان‌های معرفت؛ معارف دینی و شرعی، معارف مدنی، معارف انسانی و معارف تکنولوژیک، نقش خود را به درستی ایفا کند.

